

جلسه ۰۰۱

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آلّه الطیبین الطاهرین المعصومین لاسیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین.

ایام سوگواری و حزن اباعبدالله را خدمت حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و فاطمه معصومه علیها السلام و همه شیعیان و موالیان آن بزرگواران تعزیت و تسلیت عرض می‌کنیم. و امیدواریم که خدای متعال همه ما را جزء شیعیان و موالیان و سوگواران و مقتدیان آن بزرگواران قرار دهد و از کسانی قرار دهد که قدم صدق با سیدالشهداء و اولاد و اصحاب گرامش علیهم السلام داشته باشیم و دست ما در دنیا و آخرت از دامن پرمهر و محبت‌شان محروم نماند ان شاء الله!

ثلمه رحلت عالم اخلاقی متعهد مرحوم آیت الله ناصری رضوان الله علیه، ضایعه‌ی دردناکی است که خالی شدن جامعه‌ها از آن بزرگوارانی که این چنین در اخلاق پخته شده‌اند و نماد اخلاق هستند و وجود آنها، سلوک آنها، رفت‌وآمد آنها، کلام آنها راهنما هست برای انسان‌ها جداً فقدان آنها موجب خسران است اگر چه آنها به ارتحال از این عالم ان شاء الله به لقاء الله واصل بشوند.

برای شادی روح آن بزرگوار و ابراز ارادت و احترام به آن بزرگوار صلوات و یک سوره‌ی مبارکه‌ی حمد را تقدیم می‌کنیم.....

قبل از شروع در بحث با اجازه‌ی شما سروران توجه خودم و شما عزیزان را به مفاد آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی مبارکه‌ی فتح جلب می‌کنم. در این آیه‌ی مبارکه خدای متعال وقتی می‌خواهد کسانی که گروندگان به پیامبر عظیم الشان هستند آنها را برای امم سالفه و سابقه وصف بفرماید به دو خصوصیت در تورات و انجیل، آنها را توصیف می‌فرماید. در تورات نماد بندگی و خشوع و خضوع و عبادت را از خصوصیات گروندگان به پیامبر عظیم الشان و در انجیل نماد تحول‌گرایی، فعالیت، روبه‌رشد بودن را به عنوان وصف و بالندگی این‌ها را به عنوان نماد معرفّی کسانی که به پیامبر عظیم الشان روی آورده‌اند بیان می‌فرماید. «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ

وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ» در تورات وقتی خدای متعال این امت را می‌خواهد توصیف بفرماید این خصوصیات را برای آن‌ها ذکر می‌کند که «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا» در حال رکوع هستند، در حال سجده هستند.؟؟؟ خدای متعال و رضوان خدای متعال هستند و این‌ها اثر سجود در سیمای‌شان هویداست. پس معلوم می‌شود این یکی از خواسته‌های خدای متعال از جامعه‌ی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی نماد آن‌ها در انجیل «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» مثل آن‌ها مانند کشت‌هایی است که جوانه‌های خودش را بیرون آورده است، فعال است، جوانه زده است «فَآزَرَهُ» این جوانه‌ها را رشد داده است «فَاسْتَغْلَظَ» و این رشد را ادامه داده تا جایی که قوام گرفته و برپای خودش می‌تواند بایستد «فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» کسانی که نگاه می‌کنند به این کشت، همه‌ی آن‌ها شگفت‌انگیز می‌شوند، تعجب می‌کنند، این دانه چگونه به این مرحله رسید؟ خدای متعال در انجیل این امت را این چنین وصف می‌کند، این‌ها این جور آدم‌هایی هستند.؟؟؟ به تمام این دو نماد و جایی که باید این دو نماد در او بنحوا تمّ ظهور و بروز داشته باشد حوزه‌های علمیه است. باید جهانیان در سیمای طلاب و فضلاء و علمای حوزه‌های علمیه همین را ببینند که فرمود «سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» باید در آن‌ها، در زندگی آن‌ها خشوع و خضوع و رکوع و سجده ببینند، این‌ها دلدادگی برای مردم ایجاد می‌کند، این‌ها مردم را به طرف معنویت و خداپرستی و مهاجرت از هوای نفسانی ایجاد می‌کند و بعد آن‌چه در انجیل آمده است؛ بالنده هستند. حوزه‌های علمیه بالنده هستند همانند یک دانه‌ای که کاشته می‌شود این دانه در اثر فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد و میوه می‌دهد جوانه می‌زند، این جوانه رشد می‌کند و این رشد را ادامه می‌دهد تا آن جایی که «فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ» که همگان که نگاه می‌کنند برای آن‌ها تعجب‌آور است، شگفت‌آور است که چگونه این‌ها ترقی کردند؟ تکامل پیدا کردند. بنابراین خدای متعال از همه‌ی پیروان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم این مسأله را خواستار هست، فلذا این جوری آن‌ها را تعریف کرده، نمادی برای آن‌ها قرار داده. حوزه‌های علمیه که کسانی هستند که نزدیک‌ترین امت باید بگوییم به پیامبر عظیم‌الشان و اولیاء بزرگوارش

لاسیما حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه در این زمان هستند. باید حوزه‌ها بالنده باشند، متوقف نباشند. روزبه‌روز سال به سال در جوانب مختلف باید رشد کند، تعالی کند، بالنده باشد و این تعالی و بالندگی و رشد لازم است. اگر ما آن لوازم را مراعات نکنیم به آن توجه نکنیم قهراً آن نتایج مورد انتظار تحقق پیدا نخواهد کرد.

اگر از طرف شورای عالی بعد از مدت‌ها مشورت و تأمل برنامه‌ای ارائه شده به حوزه‌های علمیه، خدا را شاهد می‌گیریم، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شاهد می‌گیریم که جز فعالین حوزه‌ها؟؟؟ نبوده است. برای این است که این بالندگی در زمینه‌های مختلف که از وظایف حوزه‌های علمیه هست آن‌ها ان شاء الله ظهور و بروز پیدا کند و فراغ‌هایی پیدا بشود، مجال‌هایی پیدا بشود برای این‌که مسائل مهم دیگری که مورد نیاز جامعه‌ی بشری است و مورد انتظار هست از جوامع حوزوی، حوزه ان شاء الله بتواند با همان اشتیاق قویم و متین ان شاء الله همان فقه جواهری، فقه شیخ اعظم رضوان الله علیهما بتواند پاسخگوی آن‌ها باشد. من حالا دیگر بیش از این بنا ندارم در این زمینه‌ها عرضی داشته باشم. امیدوارم که استدلال‌های منطقی درستی که پشتوانه‌ی بخشی از این تحولات هست مورد توجه همه‌ی بزرگواران ان شاء الله قرار بگیرد و همگان دست بهم بدهند و ان شاء الله این راه هموار بشود برای این‌که تعالی و ترقی حوزه‌های علمیه که مورد انتظار حضرت بقیة الله ارواحنا فداه هست، خدای متعال از ما خواسته است ان شاء الله بتواند به منصه‌ی ظهور برسد. اگر می‌بینید که بخش‌هایی از کتاب شریف مکاسب برای مطالعه قرار داده شده، با دقت‌هایی که در آن شده با سنجش‌هایی که شده خب تمام مکاسب اگر بخواند خوانده بشود که خوانده نمی‌شود در این سال‌های متمادی این نصاب‌ها خوانده نمی‌شود. حالا آمدند بررسی کردند و آن مواردی که لازم است خواندن آن‌ها؛ چون علم‌افزایی دارد، قوت می‌دهد، طلابی که، فضایی که آن‌ها را می‌خوانند قوی می‌شوند، برای استنباط آمادگی پیدا می‌کنند، گفتند این در این موارد الزامی است. موارد دیگر اختیاری است. اگر خواستند نور علی نور؛ آن‌ها را هم می‌توانند بخوانند. اما اگر خواستند اوقات‌شان را صرف جاهای دیگر بکنند، مطالب دیگری بکنند، برای آن‌ها این فراغ باز باشد، هیچ الزامی نیست تخییر است. منتها برای کسانی که می‌خواهند این راه را تخییر کنند، راهنمایی شده که یک مواردی را الزام است

بخوانید از مکاسب شیخ اعظم و فراغی حاصل بشود برای این که مباحث دیگری هم که لازم هست ان شاء الله در کتب درسی حوزه مجال پیدا کند. در درس های خارج، در درس های سطح، این ها هم مورد گفتگو و پژوهش و این ها قرار بگیرد که ان شاء الله رو به ترقی برود. تمام آن مسائلی که از دیرزمان فقهای بزرگ اعلی الله مقامهم ترک کردند، کم کم مورد بحث قرار گرفته، درس قرار گرفته، تا به امروز الحمد لله ما یک تراش قوی ای داریم. برای خاطر این است که این مسائل مطرح شده، مورد کلام واقع شده، مورد بحث واقع شده، خب مطالبی که الان امروز ناپیدا هست این ها تا توی کتب درسی واقع، نشود، مورد تعمق واقع نشود، جوانب او؛ همان طور مبهم و گنگ باقی می ماند. چه خوب است که این ها هم مورد کلام واقع بشود و وقتی ما مقایسه می کنیم بعضی اباحت را که مثلاً در مکاسب شیخ اعظم رضوان الله علیه، شیخ اعظم خیلی بزرگ است! شیخ اعظم نقطه عطف در تاریخ فقاقت است، روشن است. اما آن بزرگوار خودش راه را هموار کرده برای این که ما جلو برویم. خب مباحثی که آن بزرگوار مطرح فرموده است، در مکاسب محرمه یا در بیع یا در خيارات قسمتهایی از این مباحث بعد از این که آن مباحث اصلی خوانده شد آن مباحث فرعی قابل فهم است برای فضلا و با مباحثه و مطالعه می توانند آن ها را دریافت کنند و آن فراغ حاصل بشود برای این که مسائل جدید، مسائل دیگر را هم به آن پردازند. من عرض کردم مثلاً مسئله فرض کنید حالا بیع بعضی از نجاسات که حالا... حالا این را مثلاً حتماً باید بخوانیم یا می آییم مسائل بانک را، مسائل شرکت ها را، مسائل بیمه اجتماعی و مسائل دیگر که این قدر پیچیدگی دارد و این ها هنوز روشن نشده ابعاد این ها و حکم خدا در این ها چی هست؛ این لازم تر است؟ البته آن هم حکم خدا است، محترم است، ما جان مان را فدایش می کنیم. چون او خدای متعال است. اما صحبت در این است که در باب تراحم و این که وقت تنگ است. ده سال بیشتر قرار نیست دوران باشد. بزرگان و علما می گویند بیشتر نباشد. خب در این مدت محدود چه بکنیم؟ آیا راهی جز این هست که بخش هایی که در مقام مقایسه اهمیت شان کمتر هست آن ها برای مطالعه قرار داده بشود. و اگر عزیزی قدرت دارد، می تواند آن ها را هم بخواند تشویق می شود و مشوق برای او هم قرار داده می شود. بنابراین هم آن را بخواند هم این ها را بخواند. مسئله ای نیست. اگر کتابی جایگزین یعنی بدل کتابی دیگری قرار داده شده است

باز به خاطر این است که فاصله آن چه در کتب درسی سابق با آن چه که علم اصول جلو رفته است وجود دارد یک فراغ بالایی است. خب همان طور که معالم تبدیل به قوانین، قوانین تبدیل شد به اصول، اصول تبدیل شد به کتب بعد، در اثر همین که علم جلو رفته بود، بزرگان دیدند. حالا هم بعد از این که ۱۵۰ سال از بعضی از کتاب ها گذشته است آیا اشکال دارد اگر مطالب جلو رفت؟ آقای نائینی آدم کمی است؟ آقای آقاضیاء آدم کمی است؟ آقای اصفهانی آدم کمی است؟ آقای خوئی آدم کمی است؟ حضرت امام آدم کمی است؟ این بزرگانی که در این صحنه های علمی مطلب آوردند. آیا این ها هم اگر در کتب درسی ما مطالب این بزرگواران بیاید، مطالبی که همه دیگه فهمیدند که آن ها ضعیف است کنار گذاشته بشود، در مقام تعلیم و تعلم؛ این ها تعلیم داده بشود آیا قوای علمی حوزه کاهش پیدا می کند یا بالنده می شود؟ آیا فقاقت ضربه می بیند یا فقاقت نزع پیدا می کند؟ مؤید می شود؟ خب این طور است دیگه، پس بنابراین توقع این هست که فضایی بزرگ، علمای بزرگوار، طلاب محترم یک مقداری با تأمل بیشتر مسائل را بررسی بفرمایند. معلوم است که همه افرادی که چه موافق هستند چه مخالف هستند؛ همه این ها در حُسن فاعلی آن ها شک نیست. ولی همه دلسوز هستند. این روشن است. یعنی کسی عناد ندارد معاذ الله، همه از روی دلسوزی است اما صور؟؟ یک مقدار بیشتر می کند.؟؟ اگر راه دیگری سراغ دارید برای این تعالی، برای رسیدن به آن نتایج، ارائه بفرمایید. ما که تعصبی نسبت به امر خاصی نداریم. ارائه بفرمایند. این ها بحث می شود و ممکن است مورد برنامه حوزه قرار بگیرد. خب این مقداری بود که لازم بود عرض کنم. عرض دیگری که دارم این هست که ان شاء الله بزرگوارانی که در درس های مختلف حوزه مبارکه شرکت می کنند من جمله در این محفل تشریف فرمایی دارند. آن سنت های حوزه که باعث بالندگی بوده، باعث ترقی حوزه های علمیه بوده، و هر جا در هر نهاد درسی و پژوهشی این سنت تا وارد بشود آن جا را بالنده خواهد کرد. مسئله پیش مطالعه، مسئله مباحثه، مسئله تقریرنویسی، این ها حتماً باید عزیزان به آن التزام داشته باشند. مسئله تفکر، یعنی روی مسائل واقعاً تفکر بشود، اندیشه بشود، مقید باشد که تعلیق بزنند. این ها باعث می شود که هم قوای اجتهادی به زودی ان شاء الله جوانه هایش زده بشود و همان جور که در آیه شریفه فرمود ان شاء الله رشد بکند، بالنده بشود، بالا برود. و همین که ان شاء الله ترقیات علمی برای حوزه ها پیدا

بشود. در همه رشته‌های علوم همین‌طور است. فقه، اصول، تفسیر، علوم عقلی، حتی علوم دیگری که در دانشگاه‌ها هست. اگر این نظام تدریس و تدریس که حالا ما در این؟؟ در مطالعه و پیش مطالعه و مباحثه و نوشتن و تقریر نوشتن اگر این‌ها در آن‌جاها هم برود آن‌جاها هم خیلی رشد می‌کند. این یک امری است که تجربه شده این‌ها و ضامن ترقی حوزه‌های علمیه است. ان شاءالله بر این امر آقایان اهتمام داشته باشند و مسئله سومی که عرض می‌کنم این هست که خب دوستانی که مشرف می‌شویم خدمت‌شان؛ خب بعضی‌ها سوابق ممتدی دارند در درس‌ها و این‌ها؛ ولی دوستانی هستند که خب ممکن است سال اول‌شان باشد درس خارج تشریف می‌آورند عرض می‌کنم که در ابتدای کار چند کتاب حتماً باید مورد مطالعه واقع بشود. مکاسب شیخ اعظم هست و تنقیح محقق خوئی یا محاضرات یا مصباح الفقاهه که ما محور بحث‌مان را تنقیح قرار دادیم. چون تنقیح با بررسی که من کردم از مصباح الفقاهه شاید اولی باشد و مسائلی که مطرح کردیم، مطالب بعدی را هم تا حدود زیادی آورده است. بنابراین به‌روزتر هست. مطالب شیخ را همه را آورده‌اند، مورد بررسی قرار دادند. مطالب؟؟ را تا حدودی آورده‌اند و ارشاد الطالب مرحوم آقای تبریزی برای این آقایان کتاب خوبی است. چون زود به آن‌ها مفاهیم را منتقل می‌کند و بیع حضرت امام قدس سره. و حاشیه مرحوم سید رضوان‌الله علیه. در ابتدای کار همین مقدار برای این برادران کفایت می‌کند. ان شاءالله همین‌طور که دو ماهی مثلاً گذشت از برنامه‌های درسی؛ بعد می‌توانند حواشی مهم دیگری را مثل حاشیه مرحوم ایروانی، مرحوم اصفهانی، این‌ها را هم در مدار ان شاءالله مطالعه و بررسی و مباحثات خودشان قرار بدهند.

و اما من فقط عنوان بحث را عرض می‌کنم که حالا روشن بشود. عرض می‌کنم شیخ اعظم قدس سره بعد از بحث از فضولی که سه قسم بود و سه قسم آن مورد بحث واقع شد. فضولی که برای مالک می‌فروشد و معامله می‌کند بدون این که مالک منع کرده باشد از قبلاً. دو: جایی که باز فضولی برای مالک می‌فروشد و لکن مسبوق به منع مالک است. سوم: جایی که فضولی معامله می‌کند برای خودش. این سه مسئله بود که مورد بحث قرار گرفت تفصیلاً و پایان گرفت.

بعد از این سه مسئله مرحوم شیخ اعظم دو مسئله مهم را طرح می‌کنند که تکمیل می‌کند بحث فضولی را. مسئله اولی این هست که آیا همان‌طور که فضولی در باب اعیان خارجیّه قابل تصویر است و این سه فرض گذشته راجع به آن‌ها بود و بحث شد، آیا در کلی فی‌الذمه هم قابل تصویر هست یا نه؟ و آیا اگر فضولی آن چیزی را که می‌فروشد و آن چیزی را که می‌خرد اگر کلی فی‌الذمه قرار داد آیا در این جا هم حکمش مانند آن جا است؟ یا نه، با آن جا تفاوت پیدا می‌کند؟ این اصل مسئله که خب این دارای صوری است، انقساماتی است که امروز حالا متأسفانه نمی‌توانیم واردش بشویم. مسئله دوم این است که آیا در باب معاطات؟؟ باز مسئله فضولی قابل تصویر است یا نه؟ آن هم مسئله دوم است که من؟؟ بنابراین المسئلة الأولى این است که آیا این مسئله فضولی صحّة و بطلاناً در مواردی که فضول کلی فی‌الذمه را مورد معامله قرار می‌دهد. إما بیعاً أو شراءً، آیا در این جا جاری هست یا جاری نیست؟ ان شاءالله ابحاث آن برای، از جلسه بعد ان شاءالله می‌رویم وارد این ابحاث می‌شویم.

پایان